



پس همچون قوم برگزیده خدا که مقدس و بسیار محبوب است، خویشتن را به شفقت، مهربانی، فروتنی، ملایمت و صبر ملایس سازید 13. نسبت به یکدیگر بردبار باشید و چنانچه کسی نسبت به دیگری کدورتی دارد، او را ببخشاید. چنانکه خداوند شما را بخشود، شما نیز یکدیگر را ببخشاید 14. و بر روی همه اینها محبت را در بر کنید که همه چیز را به هم می پیوندد و شما را کامل می گرداند. 15 صلح مسیح بر دلهايتان حکمفرما باشد، زیرا فرا خوانده شده اید تا چون اعضای یک بدن در صلح و صفا به سر برید، و شکرگزار باشید 16. کلام مسیح به دولت مندی در شما ساکن شود؛ و با مزامیر، سرودها و نغمه هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکرگزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید 17. و هرآنچه کنید، چه در گفتار و چه در کردار، همه را به نام خداوند عیسی انجام دهید، و به واسطه او خدای پدر را شکرگزارید.

چند هفته پیش، لایبزیگ با ما غلیظ پوشیده شده بود. صبح زود برای بررسی لایه ی نازک یخ بیرون رفتیم اما با شتاب به خانه ی گرم باز گشتم چون نمی توانستم سرما را تحمل کنم. کمی بعد اولین جوانه ها از شاخه های خشک بیرون زدند. اکنون فضای سبز مانند یک پتو در سراسر لایبزیگ گسترده شده است. همچنین گل های زرد، آبی، قرمز و سفید هستند که روز به روز بیشتر پخش می شوند و چهره ای جدید به شهر می بخشد. صداهای پرندگان، که رفته رفته چهچه می زدند، به اوج شادی رسیده است. بهار آمده! همه خوشحالند! ما هم خوشحالیم. و به همین دلیل است که ما به طور ویژه یکشنبه را انتخاب کرده ایم، تا مانند پرندگان با صدای بلند از طریق آواز و موسیقی خدا را ستایش کنیم. همه ی این کارها را انجام می دهیم چون از کار شگفت انگیز خدا هیجان زده هستیم. چه شگفت انگیز است که می توانیم فرزندان خدا باشیم! چقدر عالی است که اکنون می توانیم به آن دلیل با صدای بلند بخوانیم. بله اکنون می توانیم آواز بخوانیم! نه تنها یک نفر! کل جامعه می توانند آواز بخوانند. و ما می توانیم این کار را با زبان های مختلف انجام دهیم. همچنین از طریق سبک های مختلف. زیرا ما دیگر نمی توانیم احساس شادی را در درون خود پنهان کنیم. ما می خواهیم آن را بانگ بزنیم. ما می خواهیم خوشحال باشیم! همانطور که بهار ابرهای تیره را می راند و مانند جوانه های سبز و رنگی که خشکی را می پوشاند، ما نیز بدی، غم، نفرت، حسادت و جنگ را بیرون می اندازیم! در آیات فوق، پولس دقیقاً به همین صورت زندگی جدید در مسیح را اعلام می کند. درست مثل انتخاب لباس برای استقبال بهار، ما لباس ویژه برای زندگی جدید در مسیح می پوشیم. در زمان بهار ما آخرین مدها را امتحان می کنیم و سپس می خواهیم آنها را در خیابان به نمایش بگذاریم! به همین ترتیب، ما به ویتترین مغازه خدا نگاه می کنیم و از خود می پرسیم، به عنوان یک مسیحی چه بپوشیم؟ لباس نو به تن کردن کاری پویاست هر دو کلمه ی لباس کردن و لباس پوشیدن نیاز به انرژی دارد. و پولس همین کار را با رفتار مسیحان مقایسه کرد: همین کار به زندگی اکنون مربوط می شود و سوال این است: چگونه می خواهیم به عنوان یک مسیحی رفتار کنیم؟ و چه واکنشی به عنوان مسیحی نشان می دهیم؟ و چه چیزی بخشی از زندگی مسیحی نیست که باید آن را کنار بگذاریم؟ و چه لباسی کاملاً مهم است و باید آن را بپوشیم. بیشتر شما از کشورهای می آید که دین بخشی از دولت و فرهنگ است. مردم همه اینها را نیز از طریق لباس نشان می دهند. به ویژه زنان لباس های خاصی دارند که آنها را می پوشند. لباس و رفتار برای مردان نیز وجود دارد. از طریق روزه و اوقات نماز، انسان هویت خود را به عنوان یک مسلمان نشان می دهد. در آلمان اینطور نیست. در آلمان دین یک امر خصوصی تلقی می شود. فرد خودش تصمیم می گیرد چه لباسی بپوشد و یا آیا روزه بگیرد یا نه. این یک مشکل بزرگ برای مسلمانان است. چگونه می توانند فرزندان خود را به عنوان مسلمان واقعی تربیت کنند، در حالی که در اطرافشان هیچ کس دیگری به این شکل زندگی نمی کند، و گاهی مردم اینجا لباس مسلمانان را خنده دار می یابند یا حتی آن را تحقیر می کنند؟ و حال ما مسیحیان چگونه به عنوان مسیحی زندگی می کنیم؟ آیا می توانیم ایمان خود را آزادانه بیان کنیم؟ و چه لباس هایی برای مسیحیان در اهمیت هستند؟ به طور کلی، هیچ کلیسای مسیحی وجود ندارد که لباس خاصی را به اعضای خود تحمیل کند. با وجود این، ما مسیحیان لباس مخصوص داریم. پولس در مورد آن صحبت می کند. او از لباس تولد تازه صحبت می کند. من می خواهم معنی لباس را با لباس جوجه تیغی مقایسه کنم. جوجه تیغی ها حیواناتی کاملاً دوستانه هستند. آنها دوست دارند در جمع جوجه تیغی های دیگر زندگی کنند. با این حال، جوجه تیغی ها به طور طبیعی همیشه باید فاصله ی خود را از جوجه تیغی های دیگر حفظ کنند چون اگر این کار را نکنند تیغ هایشان به همدیگر آسیب می رسانند. اکثر مردم نیز مثل چنین جوجه تیغی هایی رفتار می کنند. با همسایه شان خوب رفتار می کنند. آنها دیگران را تحمل می کنند آنها حتی هزینه کمی را به پناهندگان یا افراد نیازمند اهدا می کنند. اما عشق به همسایه بی کران نیست! و این محدودیت هنگامی که نفر بعدی نزدیک می شود پیش می آید. و بنابراین جملات زیر بیرون می آید: "اگر نفر بعدی انقدر به من نزدیک شود، می تواند وقت من را هدر دهد!" «وای ممکن است مجبور باشم که مشکلاتم را با او تقسیم کنم! او نه، زندگی خصوصی من به دیگران ربطی ندارد! نمی خواهم با اشتباهات و مشکلات خودم مزاحم دیگران شوم!» به این دلیل فرد مثل جوجه تیغی فاصله را نگاه می کند تا مزاحم آنها نشود. لباس مسیحی با لباس جوجه تیغی فرق

دارد. ما می توانیم تمام نیش ها و اشتباهاتی را که با خود حمل می کنیم کنار بگذاریم. ما اجازه داریم آنها را در بیاوریم و لباس جدیدی بپوشیم. این جامه ای است که مسیح به ما داده. و لباس جدید در مسیح به معنی این است که: عشق بی حد و حصر داریم! مسیح دریغ نکرد و خودش را واقعاً به طور کامل به دیگران سپرد. وقتی مسیح پیش ما آمد، نگفت: «من به سوی مردم می روم، اما همه آنها را فقط از راه دور انجام می دهم.» عیسی نگفت: «ای عزیز، من نمی خواهم به خانواده یوسف و مریم بروم. آنها بدبخت هستند و چرا باید ثروت خود را در بهشت با چنین بدبختی جایگزین کنم؟ لااقل بگذار بچه یک مرد ثروتمند شوم.» نه، مسیح این را نگفت. عشق او بی کران بود. او نه تنها نزد مریم و یوسف، بلکه نزد بسیاری از افراد دیگر نیز آمد. از دست زدن به خدایان کثیف خجالت نمی کشید. او حتی اجازه داد که دیگران او را تمسخر کنند و به آنها اجازه داد که او را به صلیب آویزان کنند. عیسی عشق بی حد و حصر داشت. و این عشق است که بر دنیای نفرت و تاریکی غلبه کرده است. مسیح بر مرگ غلبه کرد. مسیح بر شر غلبه کرد. مسیح همچنین بر تمام خارهایی که مدام ما را آسیب می زدند غلبه کرد. ما می توانیم از میدان نبرد روابط انسانی شکست خورده برگردیم و به مسیح روی آوریم. طبق سخنان پولس، ما اجازه داریم هر چیزی را که متعلق به شیطان است، دور بیندازیم. تمام کارهای تاریکی که متعلق به شیطان است دیگر متعلق به ما نیست. بیایید دروغ ها، روابط شکسته شده و آسیبی که به یکدیگر وارد کرده ایم را کنار بگذاریم. و لباس نو بپوشیم. لباس جدید شامل نور، آرامش و عشق به همسایه است. و پولس ما را به منشأ زندگی مسیحی هدایت می کند. این غسل تعمید است. در غسل تعمید، مسیح ما را با لباس جدید مسیحی ملبس می کند. در غسل تعمید ما دوباره متولد می شویم. در واقع هنگام غسل تعمید فرد کاری انجام نمی دهد. خدا است که به طور کامل فعال است. او تمام کارهایی را که عیسی بر روی صلیب برای ما انجام داد در هنگام غسل به ما می دهد. و ما را به سوی خود می کشاند. وقتی گیاهان و گل های زیبا را در فصل بهار می بینیم، می دانیم که گل ها و گیاهان همه از بذر می آیند. زمین بدون بذر هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. بدون بذر زمین خشک می ماند. اما دانه آنچنان نزدیک به زمین پیوند می خورد که خود زمین هم بسیار زیبا به نظر می رسد. بذر گلها آنقدر به زمین پیوند خورده که جزئی از زمین می شود و در زمین وابسته است و تنها از این طریق زمین می تواند جوانه و شاخه و میوه تولید کند. به همین ترتیب، عیسی خود را با ما پیوند داد. این کلام اوست که در اعماق قلب ما جا دارد و از آنجا کلام خدا به طور کامل با شخص ما مرتبط می شود و ما می توانیم ویژگی های خداوند مان عیسی مسیح را به عنوان میوه به ارمغان بیاوریم. می بینیم که برادران و خواهران ما دقیقاً همان میوه را از مسیح به ارمغان می آورند. از این بابت خوشحالیم! البته در برادران و خواهرانمان هم عیب هایی را کشف می کنیم. به همین ترتیب اشتباهاتی را نیز در خودمان کشف می کنیم و به همین دلیل است که به خودمان و قدرتمان تکیه نمی کنیم، بلکه به مسیح تکیه می کنیم و هر روز نزد مسیح می رویم و توبه می کنیم و برای روز بعد نیروی تازه ای می طلبیم. همچنین با همین مسیح پیوند می خوریم هنگامی که مراسم دعا بر گزار می کنیم، یا وقتی آهنگ می خوانیم، یا وقتی که شام آخر بر گزار می کنیم. خیلی ها می گویند چرا به کلیسا می روی؟ شما می توانید این کار را به صورت آنلاین نیز انجام دهید! و عبادت مسیح بی معنی است زیرا همیشه یکسان است. افرادی که اینگونه ادعا می کنند مرا به یاد صبح سردی می اندازند که چند هفته پیش تجربه کردم. تنها چیزی که چند هفته پیش می توانستم ببینم و احساس کنم سرما و زمستان خشک بود. چیزی که من نمی دانستم این بود که دانه ها جوانه می زدند و در زیر زمین رشد می کردند. آنها فقط منتظر اولین پرتوهای خورشید بودند. در مورد ما مسیحیان هم همینطور است. ما چیزی جز زمین نیستیم. اما در حال حاضر در درون ما گلها جوانه می زنند و رشد می کنند. هیچ کس در ما نیست جز خود عیسی مسیح. آمین.